

حنيف

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما



امانت و امانت داری

گویی، خیانت در امانت و خلف وعده.

امام علی(ع) درباره امانت داری می فرماید: (الامانه والوفاء صدق الافعال والكذب والافتراء خیانه الاقوال، امانت داری و وفاداری، راستی افعال (اعمال) است و دروغ و بهتان، خیانت اقوال (گفته ها).)

امام صادق(ع) نیز می فرماید: اتقوا الله وعلیکم باده الامانه الی من ائتمنکم، از خدا بترسید و هر کس که شما را امین دانسته و امانتی به شما سپرده، امانتش را بازگردانید.)

انواع امانت در اسلام:

در فرهنگ اسلام امانت به دو چیز اطلاق می شود: الف) تکالیف بندگی ب) مال سپرده شده.

الف) تکالیف بندگی: این نوع امانت، نمونه های گوناگونی دارد که به آن ها اشاره می شود.

۱. اعضا و نیروهای وجود انسان: تمام اعضا و جوارح توانایی ه، استعداد، نیروها و محرکه وجودی انسان نعمت هایی هستند که به صورت امانت در اختیار انسان قرار گرفته اند و بر ایشان است که از این امانت ها به طریقی شایسته و نیکو در راه رضای خدا و اطاعت کردن از او به کار گیرند و از بندگی شیطان و اسیر وسوسه های او شدن دست بردارند.

یکی از خصایل اخلاقی انسان که دارای ارزش و اهمیت فوق العاده ای است، امانت و امانت داری است.

امانت به عنوان یکی از صفات اخلاقی و ملکوتی، دارای واژه های زیبا و مقدسی است. وجود این واژه ها نشان دهنده قداست و شایستگی خارق العاده ای می باشد که در متن امانت نهفته است. امانت از دیدگاه اسلام

امانت در نظر اسلام، از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است، به طوری که نمونه های فراوانی از سفارش ها و توجهات الهی قرآن و احادیث و روایات ائمه معصومین(ع) به چشم می خورد.

خدایوند متعال که خود بهترین و بزرگ ترین امین و نگهبان است، از هر گونه دغل بازی و خیانت پاک و مبرا می باشد. به نمونه هایی از آیات قرآنی و روایات معصومین(ع) که درباره امانت وارد شده است، اشاره می کنیم. * خدایوند در قرآن نسبت به حفظ امانت و سپردن آن به دست صاحبانشان می فرماید:

ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها، خدایوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید.

* در جایی دیگر درباره خیانت نکردن در امانت می فرماید:

فان امن بعضکم بعضا فلیود الذی اوتمن امامته ولیتق الله ربه، و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، آن کس که امین دانسته شده امانت را باز دهد و باید از خدا بترسد.

حضرت رسول اکرم(ص) می فرماید: للمنافق ثلاث علامات: ان حدث کذب، ان ائتمن جان وان وعد خلف [منافق سه نشانه دارد: دروغ





امانداری، فرماتی الهی

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا (نساء/ ۵۸)

خدا به شما فرمان می دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید



نحو احسن نگه داری کند. به چند نمونه از انواع امانت از نوع مال سپرده شده اشاره می شود.

۱. نامه ها و پیغام ها: فرد امین باید در حفظ و نگه داری اسرار، مطالب و نوشته های دیگران کوشا باشد و آن را از دسترس بیگانگان هرزه و سودجو دور نگاه دارد.

۲. اجناس و کالاها: فرد امین موظف است از وسایلی که به او سپرده می شود همانند جان خویش مواظبت کند و بدون رضایت فرد امانت دهنده به اموالش دست نزند و آن ها را خراب نکند.

۳. بیت المال مردم: از مهم ترین امانت ها، بیت المال مردم است. میز، کلاس، آب، برق، وسیله های نقلیه عمومی و هزاران وسیله دیگر همگی از اموال عمومی هستند که نزد همه به امانت سپرده شده است. البته بعضی از اموال عمومی وجود دارند که به یک گروه خاص و یا فرد معینی به امانت گذاشته می شوند. مثل: مدرسه، اداره، شرکت و... ولی هدف در همه این اموال یکی است و آن پاسبانی و مراقبت لازم و مفید در حفظ و نگه داری از این اموال می باشد.

۴. حیوانات: انسان هایی که از چهارپایان استفاده می کنند، باید از آن ها نیز مراقبت و نگه داری کنند، یعنی آن ها را گرسنه و تشنه نگذارند، تازیانه نزنند، بیش از توانشان بار نکنند و آزار و اذیتشان نکنند.

حضرت علی(ع) در این باره می فرماید:

(اگر تمام دنیا را به من بدهند که در مقابل آن پوست جوی را از دهان مورچه ای بگیرم، چنین گناهی مرتکب نخواهم شد.)

۵. زمین: انسان ها مکلف اند که این امانت خداوندی را ویران نکنند و با کشت و کار استفاده بهینه و سودمند، آن را آباد کنند.

امام علی(ع) در خطبه ای می فرماید:

(انکم مسئولون حتی عن البقاع والبهائم. شما مسئولیت دارید و مکلفید و حقوقی بر عهده شما هست، حتی نسبت به چهارپایان و نسبت به زمین.)

از آثار فردی امانت داری می توان به خشنودی خداوند، جلب اعتماد و اطمینان مردم و وسعت روزی دست یابی به اهداف و نتیجه مطلوب اشاره کرد. امام علی(ع) می فرماید: (ثم اداء الامانه فقد خاب من ليس من اهلها: پس وظیفه الهی هرکس امانت داری است، زیرا کسی که امانت داری نکند ضرر کرده و به مقصد نمی رسد.)

از آثار اجتماعی امانت داری علاوه بر آثار فردی، می توان به جلب اعتماد اقشار جامعه، احساس مسئولیت عمومی، حفظ اسرار و اطلاعات کشور، گسترش علم و معنوی هم اشاره نمود.

* برای مطالعه بیشتر به سایت حوزه مراجعه شود.

۲. علم دین و دانش به احکام الهی: دانش، امانتی است در دست دانشمندان و علما که باید از آن به نحو احسن و نیکو استفاده کنند و در جهت رشد و نمو آن در راه خیر و صلاح جامعه و رضای پروردگار کوشا باشند، تا به خوبی از عهده این امانت الهی برآیند.

۳. راز مردم: رازهای مردم نیز امانت اند و هیچ فردی حق ندارد بدون مصلحت خاص، اسرار دیگران را به هر طریقی فاش نماید.

از پیامبر است که فرموده اند: (مجلس ها امانت است، جز سه مجلس: مجلسی که در آن خونی به حرامی ریخته شود، مجلسی که در آن ناموس حرامی حلال شمرده شود و مجلسی که در آن مال و ثروتی به ناحق روا شمرده شود.)

۴. اسلام: اسلام نیز یکی از امانات الهی است که خداوند به وسیله رسول اکرم(ص) بر بشر عرضه کرده است و همه انسان ها ملزم به رعایت و حفظ این امانت الهی هستند. پیامبران(ص)، ائمه معصومین(ع)، علم، فضل، شهیدان و... پاسبانان و حافظان این مکتب بزرگ بشری بوده اند و انسان ها را نیز به حفظ این امانت الهی توصیه و سفارش کرده اند. امام خمینی در این خصوص می فرماید: (اسلام نه از من است و نه از شما، اسلام از خدا است و همه ما مکلفیم با تمام قدرت آن را حفظ کنیم.)

۵. فریضه های الهی: وظایف الهی مانند نماز، روزه، حج و... امانت های خداوند هستند که انسان ها باید در انجام صحیح و شایسته آن فرایض کوشا باشند تا از عهده انجام این امانت های الهی به خوبی برآیند.

۶. پست ها و مقام ها: افرادی که دارای مناصبی در دستگاه حکومتی هستند،



ضامن امانت هایی اند که بر عهده آنان نهاده شده است. پس باید چنین افرادی از پست و مقام خود در جهت رضایت عامه مردم استفاده کنند و از مال اندوزی و شخصیت گرایی نامطلوب و رشوه خواری دوری کنند. حضرت علی(ع) در نامه ای به یکی از فرماندارانش که ظاهراً از مقام خود سوءاستفاده کرده بود، نوشت: (فقد بلغنی عنک امر، ان کنت فعلته فقد اسخطت ربک و عصیت امامک و اخزیت امانتک) از تو به من خبری رسیده است اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده، و امام خود را نافرمانی کرده، و امانت خود را از دست داده باشی.)

ب) مال سپرده شده: منظور از مال سپرده شده، اموال و دارایی ها و اعیانا اشیایی است که به انسان امانت داده می شوند و او باید از این امانت ها به



گفت‌وگوی خواندنی با بانوی یهودی که به اسلام گرویده

حجاب را به خاطر زیبایی‌اش برگزیدم...

- نخستین چیز که الهام‌بخش من بود قرآن بود، کلیه شواهدی را که من پیدا کردم نشان دهنده این بود که این، یک دین حقیقی است، چرا که همه انبیا قبلی را قبول دارد و منکر هیچ یک از رسولان الهی نیست، همچنین امامت را قبول دارد که از نظر من بسیار مسئله منطقی‌ای بود.

امام کم کم این دانش و شناخت را پیدا کردم که اسلام تنها بعد بیرونی ندارد بلکه دارای بعد درونی نیز هست و باید از درون هم به حفظ و نگهداری آن پرداخت. خانواده من فکر می‌کردند که من خودم را دارم محروم می‌کنم، چون من در فرانسه زندگی می‌کردم، در آنجا حجاب کاملاً ممنوع است. با پوشیدن روسری، شما نمی‌توانید به مدرسه و محل کار بروید و از بسیاری از مسائل اجتماعی محروم می‌شوید. منزوی خواهید شد و باید خیلی از کارهای مورد علاقه خود را کنار بگذارید. برای خانواده من بسیار سخت بود که ببینند من تنها به خاطر پوشیدن لباس زندگی‌ام را به لحاظ اجتماعی به خطر می‌اندازم. از نظر آنها لازم نبود که من مسلمان باشم و لازم نبود که با پوشیدن روسری مسلمانی خودم را نشان بدهم و کافی بود که تنها قلباً به آن ایمان داشته باشم. اما برای من این مسئله مهم بود چرا که در قرآن و بسیاری از سنت‌های پیامبر به اهمیت حجاب و شناخته شدن به عنوان مسلمان برای کسب احترام اشاره شده است. و من حاضر نبودم که آن را کنار بگذارم چرا که اسلام برای من چیزی بیشتر از پوشیدن لباس است. می‌خواستم از عمق درون آن را بپذیرم.

من کسانی را می‌شناسم با گذاشتن حجاب، بسیار خوشحال هستند، چرا که این برای آنها یک افتخار است، خودشان را از نگاه محرمان پوشیده نگه می‌دارند. اگر ایمان شما ضعیف باشد شما این نکته را متوجه نخواهید شد و برای شما مهم نخواهد بود و فقط

مصاحبه با زن یهودی تازه مسلمان شده: حجاب را به خاطر زیبایی‌اش برگزیدم
لیلا حسین نام بانویی است که حجاب اسلامی را زیبا دیده است و بعد از تحقیق و بررسی به دامان اسلام پناهنده شده است وی در مصاحبه خود می‌گوید، به خاطر شیفتگی به زیبایی‌های حجاب، از دین یهودی به دین اسلام مشرف شده و حجاب کامل را برگزیده است.

در این برنامه خلاصه‌ای از گفت‌وگو با این بانوی مسلمان که می‌دانست پذیرش اسلام ممکن است خطراتی برایش داشته باشد، بازنشر می‌دهیم. امید اسشت مورد توجه قرار گیرد و شاهد مثالی باشد برای افرادی که شاید به خاطر ترس از مشکلات و بدرفتاری‌ها قدم در راه صحیح نمی‌گذارند.

لیلا حسین حدود ۱۱ سال است که مسلمان شده است. او از جامعه خود و نوع زندگی‌اش می‌گوید:

و من در یک جامعه یهودی‌نشین زندگی می‌کردم. به همین خاطر با برخی از قوانین الهی که در دین یهود بود آشنا بودم. اما اشخاص برداشت‌های کاملاً متفاوتی نسبت به ایمان دارند. آنها به زنان یهودی بیشتر از زنان مسلمان احترام می‌گذارند.

-قبل از اینکه به اسلام روی بیاوری، چه نگرشی نسبت به زنان مسلمان داشتی؟
-اگر صادقانه بخوام بگویم، هرچند ما با نوعی تنفر نسبت به مسلمانان بزرگ شده بودیم، اما همیشه شیفته زنان محجبه بودم و آنها را خیلی پاک و باوقار می‌دیدم. و از نظر من آنها زیبایی خاص خودشان را داشتند.

- پس از اینکه به اسلام گرایش پیدا کردی و نوع پوشش اسلامی را پذیرفتی، اولین چیزی که برایت الهام‌بخش بود چه بود؟



وی در ادامه صحبت هایش تاکید کرد، ایرانیان در مورد هنر چیزی کم ندارند. امام خمینی (ره) را می‌شناختم و برایم محترم بودند و وقتی اشعار ایشان را خواندم عاشقشان شدم و حتی وقتی که خاطراتی از ایشان می‌خواندم این شیفتگی ام دوچندان می‌شد؛ ولی باید اینها را به خارجی‌ها معرفی کرد، اینها بسیار تاثیر می‌گذارد؛ چون امام را نمی‌شناسند. مردم ایران باید بتوانند شخصیت و زندگی امام را تبلیغ بکنند.

در جنبش ۹۹ درصدی آمریکا مشکل مردم این است که رهبر ندارند و همین سبب به پیروزی نرسیدن آن می‌شود و این تقصیر خود آمریکایی‌هاست به خاطر این که تفکر داشتن رهبر را ندارند و فعالیتشان بیهوده می‌شود. امیدوارم که در کشور من این تفکر داشتن رهبر را یاد بگیرند و با ارتباط با ایرانیان از تفکرات آن‌ها کمک گرفته تا به پیروزی برسند...

مصاحبه با یک خانم تازه مسلمان آلمانی

تانیا پولینگ (Tania Poling) از اهالی هامبورگ است. چهره جوان، شاداب و سرزنده اش حاکی از رضایت درون است. ۲۲ سال سن دارد علت سرزندگی اش را «آشنایی با اسلام» می‌داند.

وی می‌گوید: من در خانواده‌ای تقریباً مرفه زندگی می‌کردم ولی خیلی دل‌نگران بودم. یکی از روزها که با دوستانم در مرکز خرید شهر هامبورگ مشغول گشتن بودیم، ناگهان به یک زن مسلمان محجبه برخورد کردم. با غرور خاصی شروع به مسخره کردن او کردیم و من به او گفتم: این چه قیافه‌ای است که برای خودت درست کرده‌ای؟ برخلاف انتظار من که فکر می‌کردم او را خرد کرده‌ام، بلافاصله جواب داد: این چه وضعیت برهنگی است که تو برای خودت درست کرده‌ای! گفتگویی غافلگیرکننده بین ما در گرفت و آن خانم مسلمان نه تنها از خود هیچ ضعفی نشان نداد بلکه تمام مدت نیز سعی کرد تا به من بفهماند که حفظ حیا و پوشش نشانه سلامت روح و روان است. و بر عکس برهنگی نشانی از بیماری و عدم سلامتی روح است. طبیعتاً در آن وضعیت همه حرفهای او را رد کردم و هر کدام از ما به راه خود ادامه داد. اما این برخورد مرا شدیداً به فکر فرو برده بود و روزها به شخصیت محکم و پربلائی آن زن محجبه فکر می‌کردم. همین فکر حس کنجکاوی مرا برانگیخت و بالاخره یک روز از روی کنجکاوی به مسجد امام علی (ع) در هامبورگ رفتم. حضور ملیتهای مختلف حتی آلمانی مسلمان بسیار برایم جالب بود و بهت زده اعمال آنان را زیر نظر گرفته بودم. آن روز با عده‌ای نیز صحبت کردم و خصوصاً که متوجه شدم، دین اسلام فقط مخصوص شرقی‌ها نیست و اروپایی‌های زیادی نیز به این دین مشرف شده‌اند. از سوی دیگر روابط عاطفی آنان خیلی مرا مجذوب خود کرده بود. احساس می‌کردم همه با هم هستند و کسی احساس تنهایی ندارد، اگر چه در اقلیت هستند. مقایسه می‌کردم با زندگی خودم و می‌دیدم، ما اگر چه در جمع هستیم، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنیم، دوست و رفیق و آشنا زیاد داریم، بعضاً با خانواده نیز زندگی می‌کنیم، اما در واقع هر کسی برای خودش زندگی می‌کند. نمی‌دانم شاید بهتر است بگویم ما حتی برای خود نیز نبودیم، از آنجایی که هیچ کس حتی به خودش نیز فکر نمی‌کرد و فکر نمی‌کرد برای چه در دنیا آمده‌است، یا برای چی زندگی می‌کند، آخر خط چیست؟ من این حالت را در مسلمانان ندیدم. آنها سرگردان نبودند و می‌دانستند برای چه زندگی می‌کنند. از هر که سؤالی می‌کردم، جوابی داشت و همه جوابها تقریباً یکی بود. آنها انسان را در مقابل همه چیز مسؤول می‌دانستند. در حالی که من یاد گرفته بودم، انسان فقط در برابر خودش مسؤول است. فرد هنگامی که در جمع مطرح می‌شود، دیگر معنایی نداشت و من بر عکس از فرد و حقوق فرد شنیده بودم. اینجا بود که دریافتم اینها با هم هستند چون قلبهایشان برای یک چیز می‌تپد. ارتباط من بدین صورت با مسجد هامبورگ به طور مداوم ادامه یافت و در این رفت و آمدها با برخی از مسلمانان، خصوصاً ایرانی‌ها ارتباطم بیشتر شد. استدلال‌های آنان را کاملاً قبول داشتم و این گفتگوها و رفت و آمدها تا بدانجا پیش رفت که بالاخره احساس کردم من هم «یک مسلمان هستم» و بدین ترتیب شهادتین را به جا آوردم.



می‌خواهید که با دیگران اختلاط داشته باشید و می‌خواهید آنتوری زندگی کنید که آنها می‌گویند. مجدداً می‌گویم که لازم است به اصول خود بازگردید و دریابید که چرا مسلمان هستید. چرا که اسلام دینی است که شما باید خود را تطبیق دهید و دینی نیست که توسط والدین به ارث برسد. و از این طریق باید به زیبایی اسلام و نیز زیبایی حجاب برای زنان و فایده آن برای آنها پی ببرید.

در ادامه صحبتی از خانم ملیسا از کارکنان هالیوود داریم:

خانم ملیسا کارتر و همسرش بهرام حیدری از کارکنان هالیوود، می‌گوید: من عاشق ایران هستم؛ هم ادبیاتش، هم تاریخش و هم مردمش. پدر من کشیش بود و وقتی ایران آمدم با مردمشان راحت بودم حتی راحت تر از همکارانم در هالیوود. بنده در ایالت اوهایو زندگی می‌کنم. در آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر فشارهای زیادی علیه مسلمانان بوجود آوردند. بنده یک هدف دارم؛ که تا زمان مرگم بتوانم با شوهرم و شریکمان که یک کارگردان پاکستانی است فیلم‌هایی برای گسترش و شناساندن اسلام بسازم تا آرام باشم.

مهم‌ترین کار برای مقابله با تفکرات هالیوودی این است که بتوانیم فیلم‌هایی با تفکر برتر خودمان (اسلام) به صورت تصویری و سینمایی تولید کنیم.

بنده با خواندن زبان فارسی کم کم با عرفان اسلامی آشنا شدم و با حافظ، مولوی و ... آشنا شدم. بعد شروع به خواندن تفاسیر قرآن کردم. به ایران آمدم و با شهر قم آشنا شدم و حرف‌ها و کتاب‌هایی که بود بسیار برایم جدید و جالب بود، البته بسیاری را متوجه نمی‌شدم ولی افرادی بودند که چندین ساعت و خیلی خوب برای من توضیح دادند. ایران را یک عظمت از معانی و علما یافته‌ام، چیزی که در آمریکا نیست.

در آمریکا به محض رسیدن حداقل اطلاعات از اسلام جذب این دین می‌شوند. آمریکایی‌ها با ساده‌ترین دانسته‌ها از تاریخ کنجکاوی به اسلام می‌شوند. البته آنها با مطالعه تاریخ مخصوصاً تاریخ اروپا، و آمدن مسلمانان به اروپا و رفتارهای آنان و پی بردن به تحریفات و دروغ‌هایی که قبلاً شنیده‌اند هم به این سو کشیده می‌شوند. هالیوود یک تولید است و برای رسیدن به هدف خود که عوض شدن دید حقیقی نسبت به اسلام و ادیان است، سرمایه‌گذاری می‌کند.

من دوستی داشتم که دید بسیار بدی نسبت به اسلام داشت و همیشه با نفرت از اسلام سخن می‌گفت تا اینکه من یک بار نهج البلاغه را به او دادم و ایشان خواند و پس از یک مدت آمد پیش من و یک جمله گفت و آن این بود که: علی بزرگ‌ترین مردی است که هیچ کس مثل او نیست و نداریم.

در آمریکا به خاطر تبلیغات شدیدی که نسبت به اسلام وجود دارد، به سختی می‌شود از اسلام حرف زد؛ ولی با هر کسی که بتوانی حرف بزنی و با احترام بتوانی رابطه‌ای ایجاد بکنی خیلی راحت مسلمان می‌شود.



پرسی و پاسخ

فرقه وهابیت چگونه پایه گذاری شد؟ (بخش پایانی)

نشانه ورود و خروج فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین پس از تولد آن حضرت از کعبه

بارگاه‌های متعدد در قبرستان بقیع

نکته قابل توجه اینکه این ویرانگری‌های آثار تاریخی اسلام در حالی صورت می‌گیرد که رژیم سعودی و وهابیان از آثار یهودیان در مدینه منوره حفاظت و نگهداری می‌کنند؛ و با نصب تابلوهای هشدار دهنده مردم را از نزدیک شدن به آنها باز می‌دارند.

کشتار در حج: در موسم حج سال ۱۳۶۶ بهانه کشتار زائران حرم الله توسط سعودی‌ها و وهابیت این بود که ایرانی‌ها می‌خواستند کعبه را بدزدند یا نابود کنند و همین بهانه‌ای شد برای جلوگیری از برائت علنی علیه مشرکان وقت و همپیمانان آنها در منطقه و حمله وحشیانه به زائران حرم الله.

کشتار در افغانستان: در اواخر سال ۱۳۷۲ هجری شمسی با پشتیبانی کشور پاکستان و عربستان سعودی و آمریکا، طالبان وارد صحنه نبرد در افغانستان شد و در شهریور ۱۳۷۵ شمسی کابل پایتخت افغانستان را تصرف کرد و به کشتار مسلمانان مجاهد و مجاهدان شیعی مذهب روی آورد. بطوری که، صدها هزار مسلمان را به خاک و خون کشید و باعث عقب ماندگی افغانستان شدند.

کشتار در سوریه: کشور سوریه از مارس ۲۰۱۱ میلادی صحنه خشونت و ناآرامی است و در درگیری‌ها را وهابیت چه به طور رسمی چه در پوشش داعش هدایت و رهبری می‌کند.

پایان

منابع: ۱. وهابیت سیاسی، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰. ۲. وهابیت را بهتر بشناسیم، علی اصغر رضوانی، انتشارات دلیل ما، قم، تابستان ۱۳۸۷، چاپ اول. ۳. چالش‌های فکری و سیاسی وهابیت، اکبر اسد علی زده، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴. ۴. نظری بر تاریخ وهابیت، زهرا مسجد جامعی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰. ۵. برگی از جنایات وهابی‌ها، سید مرتضی رضوی، ترجمه علی ضیایی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، چاپ اول. و منابع اینترنتی

بناهای مشهوری که به دست وهابی‌ها ویران شد.

بارگاه و مسجد حضرت حمزه سیدالشهداء در احد

بارگاه ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری بنت خولید علیها السلام.

بارگاه آمنه بنت وهب مادر پیامبر گرامی اسلام

بارگاه حضرت ابوطالب پدر گرامی امیرالمؤمنین

بارگاه حضرت عبدالمطلب جد پیامبر گرامی اسلام و امیرالمؤمنین

بارگاه حضرت حوا در جده

بارگاه حضرت عبد الله پدر پیامبر در مدینه

بیت الاحزان، خانه‌ای که حضرت زهرا علیها السلام در آنجا در سوگ پدرش می‌گریست.

مسجد سلمان در مدینه منوره

خانه حضرت زهرا علیها السلام در کوچه حجر در مکه مکرمه

جایگاه نفس الزکیه در مدینه منوره

خانه رسول الله در مدینه، خانه‌ای که حضرت هنگام هجرت به مدینه در آنجا مستقر شد.

خندقی که مسلمانان در جنگ خندق حفر نمودند

بارگاه پیامبر خدا، یسع علیه السلام، در روستای اوجام در قطیف

مسجد جوانان در احساء، دومین مسجدی که پس از مسجد رسول الله در آن نماز جمعه برگزار شد.

مسجد عباس بن علی در روستای مطیرفی در احساء

زادگاه پیامبر اسلام، خانه‌ای که در آن پیامبر گرامی اسلام در شعب هواشم در مکه مکرمه متولد شد

خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه بنت خولید در مکه مکرمه

مسجد الشمس در مدینه منوره محل یکی از معجزات بزرگ رسول خدا

خانه حمزه بن عبد المطلب عموی گرامی پیامبر

خانه ارقم، که پیامبر و یارانش در آغاز بعثت در آن گرد می‌آمدند

بارگاه شهدای بدر و جایگاهی که برای پیامبر در غروه بدر نصب نمودند

خانه حضرت علی علیه السلام که امام حسن و امام حسین علیهم السلام در آن متولد شدند

دیوار اطراف شهر مدینه منوره

خانه حضرت امام جعفر صادق در مدینه منوره

محل بنی هاشم در مدینه منوره

مسجد تنبه الوداع

مسجد البغله و بسیاری دیگر از بقاع متبرکه و اماکن مقدسه

قبرستان المعلی در مکه مکرمه که بارگاه و مقبره برخی از اهل بیت علیهم السلام و یاران پیامبر در آن قرار دارد.

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

دبیر ویژه نامه: زهره قدیمی

